

دلایلی به بزرگی سینما، انسان و اخلاق

آغاز اکران جهانی «درباره الی...»

چاپ شده در: روزنامه اعتماد

زمان انتشار: مرداد ماه ۱۳۸۸

همین هفته اکران جهانی «درباره الی...» آغاز می‌شود؛ ابتدا در فرانسه و بعد در آمریکا و بقیه‌یی که فیلم در راه آنهاست. پیشتر البته فیلم‌های ایرانی دیگری نیز در نقاط مشابهی به اکران درآمده‌اند و گهگاه هم این اکران‌ها شباهت‌هایی به پخش گسترده و فراتر از نمایش «سینماتکی» فیلم بزرگ اصغر فرهادی داشته است. اما مهم‌تر از «نوع» اکران و تعداد سالن‌های سینما یا شمار شهرها و کشورهای که فیلم در آنها به نمایش عمومی درمی‌آید، «دلایل» این پخش جهانی است. آن چه به عنوان دلیل جذب پخش‌کنندگان خارجی به تک و توک محصولات دیگر سینمای ایران قابل ردیابی است، در بالاترین حد و سطح نسبتش با خود «سینما» و تکنیک‌ها و زیبایی‌شناسی آن، به نوعی هنجارگریزی، اگزوتیسم، متفاوت‌نمایی و غریب‌نمایی بازمی‌گردد. آنها فیلم‌های درخشانی از کیارستمی یا مخملباف یا پناهی، فیلم‌های متوسطی از مجیدی یا جلیلی را گاه به نمایش عمومی گذاشته‌اند، چون تصاویرشان، محیط لوکیشن‌هایشان، دغدغه‌های شخصیت‌هایشان هیچ شباهتی به هیچ تصویر و فضا و آدم معمول سینمای غرب نداشته است. این غرابت، نوعی کنجکاوی و علاقه توریستی را برمی‌انگیخته که موجب تمایل پخش‌کننده(ها) برای اکران این فیلم‌ها می‌شده. وگرنه، یک خانواده طبقه متوسط متمایل به روشنفکری در مثلاً مرکز پاریس، از «دکوپاژ» خارق‌العاده و قاعده‌شکن کیارستمی یا شاعرانگی فیلم‌های مخملباف یا نوع ظریف طرح مسائل زیستی سطوح محروم اجتماع ایران امروز در فیلم‌های پناهی، ادراک تخصصی چندان عمیقی ندارد که بخواهد به مشاهده آنها علاقه‌مند شود. علاقه‌یی اگر بوده - که گاه بوده - بیشتر به همان اگزوتیسم و دیدار آن چه پیشتر ندیده‌ایم، مربوط می‌شده.

حالا و در خصوص اکران «درباره الی...» مطلقاً چنین نیست. اگر بخواهم باز و بر حسب تناسب موضوع به آن تئوری شخصی قدیمی و بارها تکرار شده‌ام رجوع کنم که «آدمی اصیل‌تر است که بدی‌های قوم خودش را بهتر بشناسد»، ان گاه می‌توانم جسارت بورزم و به طرح این دیدگاه پردازم که اکران شدن

یک فیلم ایرانی به این دلیل که ایرانی است، به این دلیل که مسائل صرف و محیط صرف و جامعه صرف و زمانه صرف ایرانی را منعکس می‌کند، دیگر نمی‌تواند برایم امتیازی به حساب آید. این که فیلمی هویت ایرانی را فقط از طریق طرح مسائل ایرانی کسب و احراز کند، به گمانم دیگر فضیلتی دربر ندارد. بلکه درست برعکس، نشان می‌دهد که دلایل پذیرش جهانی نسبت به فیلم، به اغزوتیسم و نگرش «اقلیتی» اکثریت غربی‌ها به آن، ربط داشته یا منحصر بوده؛ نه به ارزش‌های سینمایی فیلم، فارغ از این که در ایران تولید شده است. در بحث از دلایل پخش جهانی «درباره‌الی...»، حتی یک مخالف فیلم که این روزها ناگزیر است جایگاهی تک‌افتاده و عموماً منتهی به بدبینی یا حتی بیزاری این همه علاقه‌مند سینماشناس را تاب بیاورد، به گونه‌ی طبیعی می‌پذیرد که فیلم به هیچ وجه به هویت صرف ایرانی و فضای اینجایی و مسائل قابل طرح در این جغرافیا و این زمانه، محدود نیست و اقیانوس‌هایی بس پهناورتر و ژرف‌تر را درمی‌نوردد: تکنیک قصه‌گویی و ایجاد ده‌ها نقطه‌عطف فرعی ولی حیاتی را دارد، مهارت اجرایی در ترسیم این قصه به زبان و بیان سینما را به نمایش می‌گذارد، دغدغه‌های جاری در آن «انسانی» و «اخلاقی» و ورای هر مرز زمانی و مکانی و زبانی‌اند و در نهایت، اگر به عنوان فیلمی آمریکایی یا ایتالیایی یا به فرض محصول یک کشور شمال آفریقا در مقابل پخش‌کنندگان غربی قرار می‌گرفت، همین شأن و وزن را می‌یافت. چون به ساده‌ترین و غایی‌ترین تأثیر سینما دست می‌یابد: درگیری قلبی بیننده در طول تماشا و درگیری ذهنی و فکری و اخلاقی او بعد از تماشا، تا مدت‌ها.

با این اوصاف، اگر برخی از این کشورهای اکران‌کننده، به فرض بخواهند فیلم را به زبان خودشان دوبله کنند و بر پرده بیاندازند، شخصاً به عنوان یکی از علاقه‌مندان جدی فیلم که برایش کم هم وقت و مایه نگذاشته‌ام، چندان نگران نخواهم بود. البته و حتماً حیف است که تفاوت لحن و حس و بیان احمد (شهاب حسینی) در دوبار «ای وای، ای وای» گفتن‌اش بابت مرگ و بابت نامزد داشتن الی (ترانه

علیدوستی) با یک بار «ای وای، ای وای» گفتن پیمان (پیمان معادی) بابت لو رفتن ماجرای آشنایی احمد و الی نزد علیرضا (صابر ابر) برای کسی که آن نسخه فرضی دوبله شده را می بیند، از دست برود و شنیده و حس و درک نشود. اما این فرض بعید را تنها از این حیث طرح می کنم که بگویم «درباره الی...» فراتر از یک فیلم صرف ایرانی با نشانه های اقلیمی و بومی ظاهری و اینجایی و تاریخ مصرف دار است.